

عنوان مقاله:

تحلیل داستان پادشاه و کنیزک مثنوی مولوی براساس نظریه کنشی گرماس

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

مسعود روحانی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

علی اکبر شوبکلایی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مازندران واحد بابل

عباس بخشنده بالی - استادیار دانشگاه مازندران؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی

خلاصه مقاله:

ساختارگرایی روش تحلیل متن و شناخت نظام آن است. ای.جی. گرماس یکی از معنی شناسانی است که با ارایه الگوی کنشی تحلیل روایت را آسان تر کرده است. گرماس با ساده کردن الگوی تحلیل قصه پراپ، نشان داد که عناصر تشکیل دهنده قصه ها همه قابل تحلیل و دارای نقش موثرند. این کنش گر ها ممکن است، اشیاء، مفاهیم یا اشخاص باشند. مدل گرماس بسیار انعطاف پذیر است و ظرفیت بالایی برای تجزیه و تحلیل قصه ها دارد. تحلیل قصه پادشاه و کنیزک براساس مدل گرماس هم استواری قصه و ساختار آن را نشان می دهد و هم بازگو کننده توانایی این الگو در شناخت ساختار و نظام قصه های کهن فارسی است.

کلمات کلیدی:

قصه، گرماس، کنشی، کنش گر، مثنوی، شاه، کنیزک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/800401>

